

مقایسه جهانی شدن اسلامی و غربی

سیدمهدی سیدیان*

چکیده

امروزه غرب مدعی جهانی شدن است و با سیطره رسانه‌ای خود، به یکه‌تازی در این عرصه می‌پردازد. اما تفاوت‌های بنیادینی میان نگاه اسلام و غرب به این مفهوم وجود دارد. تبیین‌ها از ماهیت جهان، انسان، هدف و دین، از منظر اسلام و غرب، گوناگون است. حتی اساساً دین در فرهنگ غربی فاقد جامعیت است و به گونه‌ای تعریف می‌شود که عرصه‌های مسائل اجتماعی و سیاسی را دربر نمی‌گیرد. از این رو، بنا بر مبانی فکری و عملی غرب، نمی‌توان از منظر دین به مسئله «جهانی شدن» و «دهکده جهانی» اندیشید. هدف این مقاله بازنمایی تفاوت‌های جهانی شدن اسلامی و غربی در مبانی، اهداف، اصول، راهبردها، قوانین و راه‌کارهای عملی در تدبیر امور جهان و انسان است که با روش تحلیلی و مقایسه‌ای به ارائه برخی از آنها می‌پردازیم. جهانی شدن غربی به دنبال حاکم ساختن روحیه سکولاریسم، ماده‌گرایی، منفعت‌محوری و رفاه‌خواهی است، در حالی که جهانی شدن اسلامی به دنبال تعالی و پیشرفت انسان در ابعاد مادی و معنوی است.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، جهانی سازی، مبانی، راهبرد، اسلام، غرب.

مقدمه

و ارزش‌های الهی و اسلامی در همه جهان حاکم می‌گردد (مصباح، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۸۷).

اگر «جهانی‌سازی» عبارت باشد از جهانی کردن آمریت آمریکا و منافع سرمایه‌داری حاکم بر آمریکا و صهیونیسم و انگلیس، این جهانی‌سازی فقط به نفع فرهنگ سلطه غرب است. این چنین جهانی‌شدنی همه فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های مقاومت را می‌بلعد و هضم می‌کند. اما اگر بگوییم ما جهانی‌شدنی را قبول داریم، اما نه با معیارهای سرمایه‌داری صهیونیست‌ها، بلکه با معیارهای جامعه نبوی، علوی و مهدوی، این همان چیزی است که بشریت تشنه آن است و انتظار تحقق آن را می‌کشد (رحیم‌پور - الف، www.bashgah.ir).

آثار متعددی در باب جهانی‌شدن نوشته شده، اما نوآوری پژوهش حاضر در این است که فراتر از نگاه فناورانه به جهانی‌شدن، نگاهی بنیادین به آن دارد و به تحلیل مبانی آن می‌پردازد. در آثاری که جهانی‌شدن را از منظر فناوری بررسی می‌کند این امر مفروض گرفته می‌شود که باید از دستاوردهای علمی - فنی جهانی‌شدن و تسهیلاتی که با خود به همراه دارد استقبال کرد، اما کمتر به بنیادهایی که این فناوری بر بستر آن عرضه شده است توجه می‌شود. این تحقیق فهرست‌وار به مبانی و راهبردهای جهانی‌شدن اسلامی و غربی می‌پردازد. از این رو، در مقایسه جهانی‌شدن اسلامی و غربی، نقاط اشتراک و افتراق آنها را بررسی می‌کند تا تفاوت‌های آن دو را در مبانی و راهبردها بیان کند.

آنچه در غرب به عنوان «جهانی‌شدن» مطرح است در مقایسه با بدیل‌های دیگر آن، از جمله جهانی‌شدن اسلامی، دارای تفاوت‌های بنیادین است. اختلاف و تفاوت این دو رویکرد به مسئله جهانی‌شدن، از همان نقطه آغازین و برداشت هر دو دیدگاه نسبت به اساس و ریشه و مفهوم «جهانی‌شدن»، معطوف است. اساساً از لحاظ مفهوم‌شناسی، بین جهانی‌شدن اسلامی و غربی، دو معنا و دو برداشت متفاوت وجود دارد. «مبانی» به منظر و زاویه دید وجودشناختی به یک موضوع و مسئله توجه دارد، و «راهبردها» به معنای اصول و چشم‌انداز عملی برای پیشبرد یک هدف. طرح جهانی‌شدن غربی بر اصول و ارزش‌های مدرنیته، لیبرالیسم و سکولاریسم (به معنای جدایی دین از سیاست) مبتنی است. خاستگاه جهانی‌شدن غربی بر بنیان‌های اقتصاد آزاد و بیشینه کردن سود و منافع اقتصادی استوار است. اما اساساً از منظر اسلام، جهانی‌شدن به معنای حاکمیت ارزش‌های الهی و اصول درست انسانی است. پس باید این وحدت و یکپارچگی جهانی بر محور درستی شکل بگیرد که همان آرمان‌های دین مبین اسلام است.

ما نیز آرزو داریم که همه مردم در راه حق و بر محور عدالت، ایمان، انسانیت، تقرب به خدا و در نهایت، وحدت بر اساس حاکمیت ارزش‌های الهی گرد هم آیند؛ چنان‌که بشریت در دولتی که وجود مقدس حضرت ولی عصر (عج) بر پا می‌کند، وحدت پیدا خواهد کرد. در آن زمان، همگی عدالت را رعایت می‌کنند، به حقوق یکدیگر احترام می‌گذارند،

نقطه اشتراک جهانی‌شدن اسلامی و غربی

جهانی‌شدن - به‌طورکلی - چه با رویکرد اسلامی و چه با رویکرد غربی، فرصتی که ایجاد می‌کند عبارت است از اینکه با دارا شدن یک قابلیت مفهومی، ورای زمان و مکان بیندیشیم. پرسش اساسی این است که مگر پیش از مطرح شدن پدیده «جهانی‌شدن»، اندیشه فرامکانی و فرازمانی وجود نداشت؟ قطعاً چنین نیست؛ چراکه ما تجربه‌های متعددی را می‌توانیم شاهد بیاوریم که فرازمانی و فرامکانی می‌اندیشیده‌اند. افلاطون، ارسطو، رواقیون باستان، حتی متافیزیسین‌های پیش از سقراط، مثل هراکلیتوس، در ساحت تفکر «کاسموساتریک» قرار داشتند و به‌جای حق‌پرستی و حقیقت‌مداری و شناخت حقیقت وجود، صورت‌سنخ‌شده‌ای از وجود به نام «کاسموس» را مدار تفکر قرار داده بودند و می‌خواستند نظام مدینه، مطابق الگوی کیهان (کاسموس) سامان یابد و انسان نیز منطبق با نظام مدینه زندگی کند (زرشناس، bashgah.ir).

اساساً جهانی‌شدن، موجب انسلاخ حاکمیت ملی و شکل‌گیری این روحیه و حالت در میان جهانیان شده است که آنها همه از یک جنس هستند و کرامت انسانی باید پایه و اساس همکاری و تعامل قرار گیرد. انسان‌ها به این باور می‌رسند که محدود شدن آنها در حصار مرزها و ملیت‌ها صرفاً صوری بوده و اشتراکات فراوانی وجود دارد که در برابر تمایزها و ویژگی‌های خاصی که گاهی به آنها دامن زده می‌شود، ناچیز است. اینک و در پرتو طرح مباحث جهانی‌شدن، بار دیگر و با ادبیاتی ویژه، این ایده در جهان گسترش پیدا کرده و تقویت شده است

که همه از یک نوع و جنس هستند. امری که بارها دین مبین اسلام به آن تصریح کرده و تمایز به لحاظ رنگ و نژاد را مردود شمرده و همه را فرزندان یک پدر و مادر و تنها معیار تمایز را تقوا و پرهیزگاری دانسته است.

چنین روحیه‌ای در حال گسترش است که «جهانیان همه از یک نوع هستند» و در یک مکان واحد به نام «زمین» زندگی می‌کنند. این امرگاهی منجر به طرح مباحثی در قالب «شهروندی بین‌المللی» می‌گردد که در آن از حقوق بشر و اصول جامعه مدنی بین‌المللی دم می‌زنند. اما لازم است مبنا و چارچوب اصول و قواعد روابط میان انسان‌ها با شناخت از ماهیت انسان و با توجه به آغاز و انجام آن تجسم عینی به خود بگیرد. در این میان، ادیان، صاحب نقش اصلی هستند؛ زیرا با تأکید بر اصول مشترک میان آنها درباره انسان و کرامت انسانی، می‌توان رهنمودها و حتی دستورالعمل‌های اجرایی ارائه داد؛ به‌ویژه دین مبین اسلام، که دین خاتم است و ادعای صدقی مبنی بر اداره انسان تا پایان عمر زمین و زمان دارد. در این وادی که از یک سو، توجه به جهان و جهانیان و کنده شدن از ممیزات و امور فاصله‌افکن میان انسان‌ها بیشتر شده است و انسان‌ها درک می‌کنند که دارای سرنوشت واحدی بر روی سیاره زمین هستند، اسلام و کارشناسان مسلمان باید به ارائه الگو و معیار و راه کارهای عملی برای انسان عصر جهانی‌شدن اقدام کنند. چنان‌که می‌بینیم، در خلأ موجود، گاهی با ادعای «حقوق بشر» و گاهی با دعوی «مبارزه با تروریسم»، جهان را به این و آن سو می‌کشانند. اما حقیقت این است که اینها بهانه و

فرار سیده است که جهان آمادهٔ تشکیل حکومت واحد جهانی شود و متولیان امور گوناگون با توجه به ابزارهای مفید موجود، شکل و قالب واحدی به خود بگیرند. تحرک و پویایی جهان اسلام در چنین صحنه‌ای، اقتضا دارد اندیشمندان و متولیان امر دین و دولت تبیین‌های موشکافانه و دقیق نظری و راه‌کارهای عملی ارائه دهند.

نقطهٔ افتراق جهانی‌شدن اسلامی و غربی

اساساً جهانی‌شدن واقعی را باید در لایه‌های عمیق‌تر و فلسفی‌تر مباحث پیرامون «جهانی‌شدن» جست‌وجو کرد و به مفروضات انسان‌شناختی، جهان‌شناختی و غایت‌شناختی و حتی تاریخی آن نیز توجه داشت. از این رو، بدون اعتقاد و باور به غایتی برای انسان، و یا دست‌نیافتنی دانستن این غایت برای انسان، و در نتیجه، باور نداشتن به این مبانی، که به ذات‌گرایی و خالق‌باوری برمی‌گردد، نمی‌توان مدعی جهانی‌شدن و عام‌گرایی مرتبط با آن شد. پس به میزانی که جهان کنونی به خدا، انسان، ذات و غایت او و به فلسفهٔ تاریخ منبعث از آن و در مرتبت بعدی، اصول اخلاقی و رفتاری منتج از آن باور و عمل داشته باشد، می‌توان نسبت به جهانی‌بودن واقعی آن داوری کرد.

از یک چشم‌انداز، می‌توان جهانی‌شدن غربی را در چارچوب اصول مدرنیته تبیین و تفسیر کرد؛ چنان‌که نگرش غالب اندیشه‌وران و نظریه‌پردازان غربی از جهانی‌شدن، نگرشی مبتنی بر اصول مدرنیسم است. از این منظر، جهانی‌شدن اوج مدرنیته تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، جهانی‌شدن توانسته است بازتاب تحقق کامل‌تر آرمان‌های

سرپوشی برای زیاده‌خواهی استعمارگران فرانسویان است. خلاصه اینکه ادیان همواره بر اندیشه‌های جهانی غیرمحدود به زمان و مکان خاص تأکید کرده‌اند؛ چراکه در متن ادیان توحیدی، آرمان‌هایی برای همهٔ بشریت در همهٔ اعصار و امصار تبیین شده است. «جهانی‌شدن» به عنوان یک پدیدهٔ نو، به ما این امکان را می‌دهد که به ورای یک جامعهٔ خاص بیندیشیم و بدانیم که جامعه، جغرافیا و مرزها اصل نیست. این قابلیت فرصتی است که جهانی‌شدن در اختیار ما قرار می‌دهد، وگرنه اساساً ما مسلمانان هیچ وقت محدود به زمان و مکان نبوده‌ایم و قرآن محدود به فضای خاصی نبوده است. این قابلیت به لحاظ معرفتی و فلسفی، در ادیان وجود دارد و به‌طور خاص، در اسلام هست که لازم است به آن توجه کنیم.

نتیجه اینکه جهانی‌شدن بنا بر هر دو دیدگاه، مستلزم نگاه جهانی و عبور از محدودیت‌های دوران گذشته است. جهانی‌شدن مستلزم یک نگاه کلان به تمامی امور بشری و جهانی در گسترهٔ جهانی و بشری است. اقتصاد، سیاست، فرهنگ، محیط‌زیست، جنسیت، امنیت، رفاه، عدالت و هزاران موضوع ریز و درشت دیگر در پارادایم «جهانی‌شدن» بر اساس رهیافت جهانی - و نه در معیارهای جزئی و محدود - و به نحوی که به سرنوشت همه بشریت ارتباط می‌یابد، باید بررسی و تحلیل شود. بشریت، به‌ویژه متفکران عرصهٔ سیاست و فرهنگ و جامعه، به این باور رسیده‌اند که با وجود در دسترس بودن ابزار جهانی‌شدن، یعنی «رسانه»، و وجود دغدغه‌های مشترک جهانی همانند محیط‌زیست، امنیت، سلامت و بهداشت، رفع خشونت و تبعیض، زمان آن

موجودات مادی و مجرد، اعم از خدا، انسان و شیطان و فرشتگان و جن و زمین و آسمان‌ها، در نحوه تعامل با آنها، تفاوت چشمگیری ایجاد می‌کند. برای مثال، اگر نگاه یک مکتب فکری به زمین و ذخایر مادی و سرمایه‌های نهفته در درون و برون آن، نگاه مبتنی بر رام کردن طبیعت سرکش و بهره‌برداری بی حد و حصر از آن باشد، به یقین مسئله‌ای به نام «تخریب زیست‌بوم جهانی» مطرح می‌شود، درحالی‌که نگاه مبتنی بر بهره‌برداری عادلانه از طبیعت، به گونه‌ای که حق خود طبیعت هم لحاظ شود، منجر به دوام و پایداری هرچه بیشتر منابع و زیست‌بوم جهانی انسان و دیگر موجودات می‌گردد. تفاوت دو رویکرد نسبت به خدا و ربوبیت باری تعالی در امور جهان و انسان، و نگاه به انسان و دستگاه معرفتی او و هدف و غایت وی از زندگی اجتماعی و از جمله هدف از خلقت انسان - به طور کلی - منجر به وضع قوانین و مقررات و ایجاد نهادها و ساختارهای متفاوتی برای اداره جهان به عنوان زیست‌گاه انسان می‌گردد.

الف. هستی‌شناسی: از دیدگاه اسلامی، هدف نهایی خداوند از خلقت انسان و کل نظام آفرینش، بسط وجودی خویش و تعالی و قرب الهی برای انسان است، و چون هدف نهایی خداوند از خلقت انسان عبادت و بندگی، به عنوان ابزاری برای رسیدن به قرب الهی است، پس در مباحث جهانی شدن، باید نگاه به انسان و کل بشریت در قالب نگاه به «بندگان خدا» باشد که در این صورت، تفسیر و تعبیر از جهانی شدن دقیق‌تر و به حقیقت نزدیک‌تر خواهد بود.

در مقابل جهانی شدن غربی، اسلام به عنوان یک

مدرنیته باشد. بر این اساس، تمام انتقادهایی که در قالب نقد مدرنیته مطرح است، به جهانی شدن غربی با این رویکرد نیز وارد خواهد بود.

اما جهانی شدن اسلامی منطبق بر فطرت خدایی انسان و بشریت است و اهداف، روش‌ها و رویه‌های اجرایی آن در انطباق با آن است. از این رو، حضور مسلمانان در روند جهانی شدن با توجه به مشکلات، نارسایی‌ها و کاستی‌های جهانی شدن غربی، و نیز با دقت و تأمل در نیازها و خواسته‌های بشر در حرکت به سوی یکپارچگی و اتحاد جهانی، ما را به این نتیجه روشن می‌رساند که اینک بهترین فرصت و موقعیت برای ترسیم چهره‌ای روشن و گویا از نظام جهانی مهدوی و دین اسلام فراهم آمده است؛ زیرا دین، به ویژه دینی جامع مانند اسلام، که ادعای پاسخ‌گویی به همه نیازهای اساسی جامعه انسانی را دارد و برای همه ابعاد زندگی انسان ارائه طریق می‌کند و حتی در روابط اجتماعی و بین‌المللی با مسلمانان و غیرمسلمانان، زبانی گویا و متین دارد، به عنوان یک منبع قدرت، می‌تواند حاوی پیام‌های مهم و کارساز باشد. از این رو، با توجه به شرایط و مقتضیات زمان و تعریفی مناسب از آن و تشخیص عوامل انحطاط و پیشرفت و طی مسیر تعادل در پیدا کردن بهترین روش، می‌تواند رهیافت مناسبی در این رهگذر باشد (رحیم‌پور، ۱۳۸۴).

۱. تفاوت در جهان بینی

عمده‌ترین منشأ تفاوت میان جهانی شدن اسلامی و غربی، در نگاه هریک به کل نظام هستی و خلقت نهفته است. نگاه به منشأ پیدایش جهان، آفریننده آن،

زیادی داده می‌شود. دیگر افراد به‌عنوان مؤمن یا ممنوع تلقی می‌شوند که در هر صورت، حقوق انسانی آنها باید مراعات گردد. انسان به‌عنوان خلیفه الهی در روی زمین، باید به عمران و آبادانی و تصرف درست در کائنات دست بزند و گره‌های ناگشوده زندگی اجتماعی خویش را با عقل خدادادی بگشاید (ر.ک: راپرت و استینگر، ۱۳۸۴).

امروزه جهانی شدن غربی با چند معضل عمده، از جمله بحران معنویت، بحران امنیت (در سطوح فردی، ملی و جهانی) دست به‌گیریان است. قدرت سیاسی هم در سطح جهان، به نفع قدرت‌های بزرگ مصادره شده و عملاً جهان با پذیرش «حق و تو» آن را قانونی کرده است. این در حالی است که در جهانی شدن اسلامی و در حکومت آرمانی اسلام، امنیت برای همه انسان‌ها به‌طور یکسان وجود دارد. اسلام جهانی شدن را با اصل مشترک انسانیت درآمیخته است، در حالی که جهانی شدن به‌گونه‌ای که آمریکا و غرب مطرح می‌کنند بر پایه لذات مادی، منافع اقتصادی، ذخیره‌سازی منابع، حذف موانع بر سر راه دستیابی به بازارها و بهره‌گیری از ثروت استوار است. از سوی دیگر، در دین اسلام، عناصری وجود دارد که به پویایی دین کمک می‌کند و بر اساس این پویایی، که در اجتهاد ناظر به زمان و مکان نهفته است، ابزارهای نو به جهان عرضه می‌کند و فرصت‌هایی که جهانی شدن در اختیار دین می‌گذارد، می‌تواند وسیله ثبات و تداوم آن را فراهم آورد که برای مثال، می‌توان از بهره‌مندی درست از فناوری‌های نو در جهت اهداف بلند اسلام در ترویج تعالیم دینی نام برد.

دین جهانی قرار دارد که به فرموده قرآن کریم، پیامبرش برای همه بشریت مبعوث شده است. از این رو، این پیامبر اهداف و مطالبات جهانی دارد؛ اما این مطالبات جهانی انسانی است و در جهت اهداف تعالی بخش، عدالت و فضیلت و نه پایمال کردن حقوق انسان. این دین مطالبات جهانی و بشری دارد و سنخ مطالبات آن با مطالبات جهانی تفکر مقابل، حتماً اشتقاق نظری دارد؛ زیرا اساساً نوع جهان‌بینی متفاوتی در کار است (رحیم پور الف، bashgah.ir).

ب. انسان‌شناسی: از دیدگاه اسلام، همه انسان‌ها از پدر و مادر واحدی به دنیا آمده‌اند که بنابراین، در جهانی شدن اسلامی، همه افراد بشر به‌عنوان اعضای یک خانواده بزرگ جهانی قلمداد می‌شوند. از منظر اسلام، عبادت یگانه هدف زندگی است؛ زیرا رسیدن به زندگی سراسر سعادت دنیوی و اخروی در گرو بندگی خداوند متعال است. بنابراین، اگر بنیاد یکپارچگی بشر بر مبنای عبادت خداوند و نه کفر و الحاد استوار شده باشد نیل به یکپارچگی عادلانه، ملایم و انسانی، امکان‌پذیرتر است. در رویکرد جهانی شدن اسلامی، هدایت انسان‌ها به راه سعادت و کمال از سوی فرستادگان الهی صورت می‌گیرد که به معنای «ایمان به سفیران هدایت» است.

پس در جهانی شدن اسلامی، اولاً اصل اولی بر تسلیم در برابر حاکمیت خداوند، ثانیاً پیروی از آموزه‌های پیامبران الهی، به‌ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به‌عنوان آخرین فرستاده الهی و جانشینان بر حق ایشان، و ثالثاً باور به هدایت و اداره شخص و اجتماع بر اساس قرآن و سنت صحیح نبوی است. در جهانی شدن اسلامی، به اراده و اختیار انسان، اهمیت

دوم. دین نباید مدعی حقیقت‌نما بودن عقاید خودش باشد؛ یعنی گزاره‌های خود را باید غیر معرفت‌بخش بداند. به تعبیر دیگر، این دین اولاً، باید بپذیرد که زبان اساطیری و غیر واقع‌نما دارد، ثانیاً، بپذیرد که زبان دین به قدر کافی واضح نیست و قابل تفسیرهای متضاد است و امکان هرگونه داوری درباره آن وجود دارد.

سوم. بپذیرد که حق و باطل نسبی و قراردادی‌اند. چهارم. بپذیرد که بر گزاره‌های عقیدتی خود پافشاری نخواهد کرد (رحیم‌پور الف، bashgah.ir).

در مقابل، یکی از اصول مسلم جهانی‌شدن اسلامی ابتدای آن بر اصل اصیل «توحید» است. در اسلام، فرایند یکپارچگی جهانی با اصل «توحید» آغاز می‌شود. ایمان به آفریننده واحد و یگانه ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که در خلقت، هیچ مجالی برای تناقض، ابهام و تعارض در نظام و زیرنظام‌ها، از جمله سازمان‌های جامعه‌شناختی و اقتصادی و سیاسی بشر وجود ندارد؛ زیرا تبعیت از اراده الهی اساس این نظام‌هاست. برای مثال، نظام سیاسی اسلام با محوریت اراده و اذن الهی در حکومت شکل می‌گیرد و نمی‌تواند استبداد فردی، کثرت‌گرایی منفی (مانند قبیله‌گرایی، گروه‌گرایی، و حزب‌بازی سیاسی) در شکل‌گیری حکومت، تداوم آن، اعمال سیاست و پیگیری اهداف آن دنبال شود.

د. هدف‌شناسی: اگر هدف و انگیزه از «جهانی‌سازی»، سوق دادن انسان‌ها و جوامع به شرایط واحد و اقتصادی عادلانه و سطح معیشتی یگانه و دانش و بینش‌هایی فراگیر و همگانی و رفع تبعیض و نابرابری در سطح همه جامعه‌های انسانی است در این

ج. خداشناسی: جهانی‌شدن اسلامی دارای محتوایی درست، حقیقی، دست‌یافتنی و معقول است که ملاک درست بودن آن، انسانی و الهی بودن آن است، در حالی که جهانی‌شدن غربی بر محور فردیت و انسان‌گرایی (به معنای اومانیسم) استوار است. فلسفه سیاسی غرب به جهانی‌شدن روی آورده است؛ زیرا آن را آرمان‌شهری اومانیستی می‌داند و کاملاً عمل‌گرایانه توجیه و تفسیر می‌نماید.

پس اساساً آرمان‌گرایی و جهانی‌شدن غربی دارای دو افراط متضاد است: یا بسیار انتزاعی و خیالی و منجمد است، یا بیش از حد عمل‌گرایانه، ارزش‌گریز و حتی فاسد. در حالی که جهانی‌شدن غربی از هرگونه اصول نظری و عقیدتی و هر معیار اخلاقی درست‌گریزان است، در جهانی‌شدن اسلامی، بر آموزه «حکومت» بر اساس کمال، سیاست اخلاقی، اصلاح، عدالت و تکامل تأکید می‌شود (رحیم‌پور، ۱۳۸۴).

از دیدگاه جهانی‌شدن غربی، خدا، دین و مذهب اموری هستند که در حیطه امور شخصی هر فرد قرار می‌گیرند و چون در جامعه و نهادهای اجتماعی، چندان نیازی به این امور احساس نمی‌شود، از این رو، جایگاهی شایسته برای آنها در نظر نمی‌گیرند. اساساً تفاوت جهانی‌شدن غربی با اسلامی در این است که جهانی‌شدن غربی دینی را می‌پذیرد که چند مشخصه ذیل را داشته باشد:

اول. دین نباید مدعی قوانین مدنی و اجتماعی باشد. از این رو، هر دینی - به ویژه اسلام - اگر مدعی یک آموزه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشد، قابل تحمل نیست.

ندارد، بلکه به دنبال رفاه انسانی، رشد عقل و دانش انسانی، و عدالتی گسترده در همه بخش‌های زندگی در سراسر جهان است. در منابع اسلامی، درباره آینده تاریخ، بر عدالت و گسترش آن در سراسر جهان بسیار تأکید شده و از صالحان به‌عنوان «وارثان زمین» نام برده شده است: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵).

پس تحقق جهانی شدن اسلامی بر چند مبنا استوار است: اولاً، در نخستین گام، باید قرآن کریم و سنت و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محور قرار گیرد؛ زیرا رستگاری مسلمانان در گرو وفاداری عملی آنان به آموزه‌های قرآن کریم است و رمز هدایت امت اسلام به سوی آرمان‌هایش در معارف و آموزه‌های قرآنی نهفته است. ثانیاً، برای هدایت و رهبری جامعه اسلامی در مسیر عمل به کتاب الهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، باید پیشوایان معصوم علیهم السلام محور قرار گیرند تا رسیدن به جامعه آرمانی تحت تدبیر و هدایت آنان صورت پذیرد. ثالثاً، یادآوری پیایی مرگ و تلقی معبر و مسیر از دنیا و توجه به قیامت، که انتهای زندگی دنیوی است، سومین مبنا و پیش‌نیاز برای نیل به جامعه آرمانی اسلام و تحقق جهانی شدن اسلامی است (ر.ک: صادقی رشاد، ۱۳۸۰).

۲. تفاوت در راهبردها و خط‌مشی‌ها

اساساً دین اسلام یک دین جهان‌شمول است و آموزه‌های آن برای حوزه‌های گوناگون زندگی، اعم از خصوصی و اجتماعی، دستور و برنامه خاصی دارد و پیروان خود و حتی انسان‌های ساکن زمین را به انجام آن دستورات فرامی‌خواند. بنابراین، در

صورت، آرمانی ارزشمند و مثبت است؛ چنان‌که پیامبران الهی با چنین انگیزه‌ای به تشکیل «امت واحد» و خانواده «خدایی - انسانی» دست زدند و همه مرزها و حدود سیاسی، اقتصادی، نژادی، جغرافیایی و هرچه را مانع این حرکت بود از میان برداشتند و بشریت را با تمام توان در همه زمینه‌ها به سوی یگانگی و برابری و برادری سوق دادند (حکیمی، bashgah.ir).

در برابر این آرمان، انگیزه‌های سیاست‌مداران یا اقتصاددانان و یا حقوق‌دانان و یا جامعه‌شناسانی است که در روند «جهانی سازی»، به جهان دیگری، یعنی به جهانی نابرابر و با محوریت و برتری نظام‌های فکری، اقتصادی و سیاسی غرب می‌اندیشند و در راه سلطه‌بخشی و گسترش قلمرو و نفوذ آن اندیشه هستند و هدفشان از جهانی سازی، تسلط یک قاره یا یک بخش بر کل بشریت است.

از ویژگی‌ها و امتیازهای جهانی شدن اسلامی، تبیین روشن اصول، معیارها و اندیشه‌های فرامرزی و جهانی و انسان‌گرایی راستین در عین جهان‌نگری و جهانی شدن، و کنار زدن هدف‌ها و انگیزه‌های غیرانسانی در آن است. معیارهای جهانی شدن اسلامی، که بر محور حق و عدل در رابطه با انسان دور می‌زند، عبارتند از: گسترش عدل جهانی، نفی نظام‌های سلطه‌گر جهانی، و گسترش آگاهی و دانایی جهانی (همان). معیارها، اصول، اهداف و انگیزه‌ها در جهانی شدن اسلامی، بر پایه انسان‌گرایی اسلامی و رعایت حقوق انسان‌ها و ارزش‌های والای اخلاقی استوار است و کمترین رنگی از برتری نژادی، منافع مادی، سلطه‌طلبی و خودکامگی گروهی در آن وجود

دو رویکرد اسلامی و غربی، قانون و مبنای نظم فردی، اجتماعی و بین‌المللی این دو، یکسان نیست. قانون در جامعه اسلامی، مبتنی بر وحی، قرآن و سنت است، و قراردادهای اجتماعی در چارچوب «حدود الهی» معنا می‌یابد، درحالی‌که در نظام‌های لیبرال - دموکراسی، قرارداد اجتماعی مبنای قانون‌گذاری است.

مصلحان اجتماعی و صاحب‌نظران فلسفه سیاسی درمان دردهای جامعه بشری و برطرف شدن تضادهای، استثمارها، استبدادها، استعمارها، فاصله ناهنجار کشورها و انسان‌ها را در پرتو برپایی نظام واحد و جهانی و یکسان‌سازی مدیریت اجتماعات انسانی امکان‌پذیر دانسته‌اند. مدیریت واحدی که از هرگونه جانب‌داری، نژادگرایی، و طبقه‌پروری به دور باشد و بر پایه قانون عدل و مساوات با همگان رفتار کند، و نه تنها در روابط فردی و ساختارهای گروهی، بلکه در روابط کشورها و روابط میان ملل، قانون عدل و معیارهای انسانی را حاکم سازد. جهانی شدن موضوعی است که به مجموعه انگیزه‌ها، هدف‌ها و اندیشه‌ها و تلاش‌های کسانی بستگی دارد که در راه این برنامه می‌کوشند و برای تحقق آن بسترسازی می‌کنند و به زمینه‌سازی‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی می‌پردازند. در این نقطه است که نگرش مثبت و منفی نسبت به جهانی‌سازی رخ می‌نماید و ممکن است حرکت جهانی‌سازی مفید، انسانی و رهایی‌بخش باشد و یا منفی، غیرانسانی و سلطه‌طلب (حکیمی، bashgah.ir).

اسلام حکومت‌ها و دولت‌هایی را که میان ملت‌ها فاصله افکنده‌اند و سرزمین‌ها را میان خود تقسیم

صورت انتخاب درست راه‌کارها، موفقیت از آن دین اسلام خواهد بود؛ چراکه بر اساس آموزه‌های اسلام، خداجویی و خداخواهی، که به وسیله ادیان، تحقق عینی پیدا می‌کند، از فطرت انسانی سرچشمه می‌گیرد و تمامی پدیده‌ها و وسایل انسانی نمی‌توانند فطرت را به‌طور کامل از بین ببرند. پدیده جهانی شدن غربی نیز ممکن است ابتدا با هجمه‌های خود به اسلام و دیگر ادیان توحیدی پیش رود و موقتاً سکولاریسم را در جوامع دامن بزند. اما با مطالعه ادیان موجود در جهان، به نظر می‌رسد که دین هنوز هم پویاترین منشأ مقاومت در برابر دیدگاه تقلیل‌گرایانه درباره سرشت و گوهر آدمی است؛ چراکه دین به انسان، هویت روحانی و معنوی می‌بخشد و به حیات انسانی معنا و مفهوم می‌دهد. دین قواعد و قوانین، مناسک و شریعت و اخلاقیات دارد و کمال انسانی را در گرو عمل به آنها می‌داند.

پس این اسلام است که مستحق جهانی شدن است؛ زیرا اولاً، به دنبال حقیقت است، نه قدرت و سیطره بر دنیا. ثانیاً، به انسان‌ها به چشم موجوداتی شریف می‌نگرد، نه با نگاه ابرازی. ثالثاً، انسان را موجودی منطقی می‌داند، نه صرفاً غریزی. رابعاً، حق‌طلبی و کمال‌خواهی را در شمار امور ذاتی انسان می‌شمارد و به آن احترام می‌گذارد (رحیم‌پور الف، bashgah.ir).

۳. تفاوت در نهادها، قوانین و مقررات

یکی از جلوه‌های تفاوت دو مکتب در تفاوت نهادها و ساختار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی آنها بروز می‌کند. به تناسب هر دیدگاه و ایدئولوژی، قوانین و مقررات اجرایی نیز متفاوت می‌گردد. بنا بر

و در ارتباط با نظام سرمایه‌داری و سلطه‌طلبی سیاسی است. جهانی شدن غربی تحمیل نوعی روش، منش و سیاست و منافع خاص به‌عنوان روش و منش و منافع جهانی بر بشریت بوده و درصدد است تا نوعی منافع و بینش را به‌عنوان الگو معرفی نماید و همه جهان را با یک معیار خاص اندازه‌گیری کند. جهانی شدن غربی دارای ابعاد منفی دیگری نیز هست؛ از جمله اینکه به لحاظ حاکمیت روح سرمایه‌داری مصرف‌گرا، همه چیز را به چشم کالا می‌نگرد. از سوی دیگر، مناسبات و مراودات سنتی از قبیل نهاد خانواده را کم‌رنگ می‌نماید و به انزواگرایی و انفرادگرایی دامن می‌زند و به عبارت دیگر، همه انسان‌ها را «اتمیزه» می‌کند، هرچند باید یادآور شد که جهانی شدن به همان میزان که به انزواگرایی دامن می‌زند، امکانات و ابزارهایی را برای جهانی شدن در اختیار همگان نیز قرار می‌دهد. جهانی شدن اسلامی بر آن است تا برای سامان دادن به وضع بشریت، یک نظام همه‌جانبه جهانی و دارای قانون و رهبر واحد بر پا نماید که چنین نظامی دارای چند ویژگی است:

اولاً، دارای قوانینی هماهنگ و همسو با فطرت انسانی است؛ زیرا فطرت، فصل مشترک همه آحاد بشر است. پس برای تحقق جامعه‌ای منسجم، رهبری واحد و قانون یگانه‌ای که اصول آن از اصول الهی سرچشمه گرفته است و طبق شریعت خداوندی حرکت می‌کند، مورد نیاز است.

ثانیاً، اسلام به‌مثابه آخرین حلقه از زنجیره ادیان الهی، برای اصلاح بشر و بسان راه نجاتی که از سوی آفریدگار برای بشریت در نظر گرفته شده، نازل شده

کرده‌اند، به رسمیت نمی‌شناسد، و همه آنها را به یک دین و دولت واحد و مرکزیتی یگانه فرامی‌خواند و از این رو بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به پادشاه ایران، حاکم مصر، پادشاه حیره، پادشاه یمن و شاه حبشه نامه نوشتند و آنان را به یگانگی و تن دادن به مدیریت واحد در جامعه انسانی و پذیرش دین اسلام دعوت کردند.

بر همین اساس است که جهانی شدن اسلامی در کلام بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی ایران چنین تبیین می‌شود:

من به صراحت، اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود، برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در جهان سرمایه‌گذاری می‌کند، و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌خواهی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان، با تمام وجود تلاش نماییم، و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲).

بنابراین، جهانی شدن غربی در نسبت‌سنجی با جهانی شدن اسلامی، دارای تعارض‌های بنیادی و روبنایی است. جهانی شدن اسلامی دارای حکومت جهانی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و دینی است، در حالی که جهانی شدن غربی پیامد و حاصل آگاهانه و ناآگاهانه پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی، فناورانه

منابع

- حکیمی، محمد، *جهانی سازی اسلامی، جهانی سازی غربی*، در: سایت باشگاه اندیشه، www.Bashgah.ir
- راپرت، مارک و جوزف استینگر، ۱۳۸۴، *جهانی سازی؛ چالش ها و راه کارها*، ترجمه هادی عربی و دیگران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رحیم پور ازغدی، حسن، الف، *جهانی شدن و مسلمانان معاصر*، سایت باشگاه اندیشه www.Bashgah.ir
- ، ب، *جهانی سازی، پایان تاریخ و مهدویت*، سایت باشگاه اندیشه www.Bashgah.ir
- ، ۱۳۸۴، *مدینه فاضله (۱)*، سایت باشگاه اندیشه www.Bashgah.ir
- زرشناس، شهریار، *کاسموسانتريسم*، سایت باشگاه اندیشه www.Bashgah.ir
- صادقی رشاد، علی اکبر (زیر نظر)، ۱۳۸۰، *دانش نامه امام علی علیه السلام*، ج ۶ (سیاست)، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مرقاتی، طه (به اتمام)، ۱۳۸۲، *جهان شمولی اسلام و جهانی سازی*، در: مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۲، *نظریه حقوقی اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۰، *صحیفه نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

است. اسلام بر فطرتی که میان همه افراد بشر مشترک است انگشت می گذارد و مبتنی بر منطق است و خود را به مثابه تنها راه نجات بشریت عرضه می کند. چنین اسلامی برای تحقق اهداف خود، سعی در حذف مرزهای جغرافیایی، نژاد، رنگ و تفاوت های زبانی دارد و در پی اهداف یگانه انسانی است. نتیجه آنکه اسلام از آغاز و طی زمان، سمت گیری جهانی داشته و این سمت گیری و نیز بر وحدت خاستگاه انسانی و مسیر و هدف همواره تأکید کرده است (ر.ک: مرقاتی، ۱۳۸۲، ج ۱).

نتیجه گیری

۱. جهانی سازی غربی توجیه ستم غربی بر جهان است که به شدت از سوی اندیشه های اصلاح گر، به ویژه از سوی ادیان و بالخصوص از سوی دین مسیحی اسلام طرد و رد می شود. منشأ رد و انکار هم اصول و مبانی متفاوت است.
۲. مبانی جهانی شدن اسلامی و غربی در عرصه های معرفت شناختی، انسان شناختی، کیهان شناختی و غایت شناختی، تفاوت اساسی دارد و از جنبه راهبرد و خط مشی و شیوه جهانی شدن نیز تفاوت ژرفی به چشم می خورد.